

دو قانون در مسیر کودتای

آمریکائی شیخ حسن

بخش نخست

امیر فیض - حقوقدان

اخیرا دو قانون همزمان که از نظر موضوعی بسیار بهم نزدیک دیده میشوند در آمریکا و ایران بتصویب رسیده است؛ این تحریر به ابعاد حقوقی و اجرائی قوانین مزبور و تاثیر آنها در کودتای آمریکائی شیخ حسن میپردازد.

قانون جمهوری اسلامی

روز سه شنبه ۱۷ آذر همین ماه جاری (۲۵۵۴ = ۱۳۹۴) مجلس جمهوری اسلامی قانونی را تصویب کرد که عنوان آن <نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل خاص> است.

بر اساس قانون مزبور کسانی که از انتصاب به مشاغل حساس محروم خواهند شد عبارتند از:

- ۱- دارندگان تابعیت مضاعف و کسانی که از تابعیت ایران خارج شده اند.
- ۲- کسانی که به اسلام و نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و قانون اساسی اعتقاد و التزام عملی ندارند.
- ۳- کسانی که در تحکیم رژیم سابق نقش موثر داشته اند.
- ۴- وابستگان تشکیلاتی به احزاب و سازمان ها و گروه های محارب، معاند و غیر قانونی و اعضای فرقه ضاله و کسانی که به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و حدود شرعی محکوم شده اند.
- ۵- مظنونان و مرتکبین جاسوسی به نفع بیگانه و ارتباط با اتباع بیگانه ای که مراکز اطلاعاتی و امنیتی ارتباط با آنها را نهی کرده اند

تشریح و توضیح

تابعیت مضاعف

قانون تابعیت که در ماده ۹۸۹ قانون مدنی در سال ۱۳۰۷ پیاده شده و ماده ۹۸ قانون مدیریت، دارندگان تابعیت مضاعف (تابعیت دوم) را از خدمات دولتی منصرف میساخت. قانون مزبور که در اوایل سلطنت رضاشاه کبیر بتصویب رسید یک سیره فرهنگی و منش مقبول جامعه ایرانی بود که جامعه قبول نمیکرد کسی که دارای تابعیت کشوردیگری است برکشورش حکومت و یا دارای مقام های سیاسی و اجرائی باشد این مهم همواره در طول تاریخ ایران از اصول حساس و رعایت آمیز بوده است نمونه ای که میتوان ارائه داد جریان تاریخ صدراعظمی میرزا آقاخان نوری است.

«میرزا آقاخان نوری تابعیت دولت انگلستان را داشت (تابعیت دوم) پس از عزل امیرکبیر ناصرالدین شاه با محظور تابعیت دوم آقاخان نوری مواجه شد و با آنکه هنوز قانون تابعیت ویا منع مشاغل دولتی برای دارندگان تابعیت دوم نبود، معهداً ناصرالدین شاه حاضر نشد که یک تحت الحمایه ودارنده تابعیت دوم رابه صدارت ایران برگزیند وبه آقاخان نوری دستور داد که بین تابعیت ایران ونوگری شاه با تابعیت انگلیس یکی را انتخاب کند. میرزا آقاخان برای پاسخ به شاه از سفارت انگلیس مدد خواست سفیر انگلستان به آقاخان پاسخ داد **«قرار داشتن در تحت الحمایگی انگلیس از ناج کیانی برتر است»**.

(تاریخ امیرکبیر - آدمیت)

در زمان جمهوری اسلامی قانون تابعیت زمان پهلوی و شاه بشرحی که ذکر شد از مقوله اجرا خارج گردید و با آنکه جمهوری اسلامی بنابر تصریح احکام اسلامی نمیتواند دارندگان تابعیت کشورهای کفر را به مناصب اداری منصوب کند و اساساً دارندگان تابعیت کشور کفار شخص دارنده تابعیت را از اسلام خارج میسازد معهداً قانون مزبور بکل نادیده گرفته شد.^۱

در سال ۲۰۱۱ تحریری در موضوع مفسده تابعیت دوگانه تنظیم وانتشار یافت که در آن به فساد ۱۰ مورد از موارد تابعیت دوگانه اشاره شد. اکنون به اتفاق اشاراتی که در پایان آن تحریر آمده میخوانیم که بمبانی تحریر حاضر کمک است.^۲ (پیوند سه نوشته در زیر نویس آمده).

«..... وملت ایران اگر میخواهند که شرافت ملی واستقلال وحاکمیت کشور محفوظ واز تجاوز مصون بماند حق است که قانون تابعیت (زمان شاه) در مورد عموم مشمولین آن قانون بلا استثناء اجرا گردد و در مقابل این سوال که چرا باید نسبت به این قانون بسیار حساس که با شرافت ملی واستقلال کشور سر و کار دارد واجرای آن از اسباب مطمئن جلوگیری از سلطه بیگانگان میشود بی اعتنائی شود ایستادگی شود.....»

ماده ۲۲۳ آئین نامه قوه مقننه مقید ساخته که هرگاه ۱۰ نماینده مجلس در مورد عدم رعایت قانون ویا نقص در اجرای آن قانون تذکر بدهند مجلس باید به آن تذکر رسیدگی کند.

چرا مجلسیان و دادستان نسبت به عدم اجرای قانون تابعیت دوگانه بی تفاوت هستند.....<

۱- انگیزه وضع قانون جدید

★ اظهارات بالا برای اتصال تحریر به سابقه است نه از اینجهت که جمهوری اسلامی به مفاسد تابعیت دوگانه توجه کرده است خیر.

۱ - ابراهیم یزدی و سفیری که او برای سفارت جمهوری اسلامی انتخاب کرد [قاسم صالح خو] که مترجم خمینی در گفتگو با مایل والاس بود هردو تبعه آمریکا بودند. ح-ک

<http://1400years.org/AmirFeyz/Ekhtelas-TabeyateMozaaf-AmirFeyz-10Oct2011.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/Mofsedeh-TabeyateDoganeh-AmirFeyz-19Oct2011.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/TarheTahriimeKhodiha-Tabeyat-AmirFeyz12Oct2011.pdf>

انگیزه وضع قانون جدید ممانعت و محدود ساختن اصلاح طلبان و هواداران شیخ حسن است که غالب آنها حتی وزیر خارجه، تابعیت دوگانه دارند. کثیری از اصلاح طلبان و رهبران آنها که در خارج از کشور اقامت دارند دارای تابعیت دوگانه اند.

★ تقارن قانون مزبور با فعالیت های اصلاح طلبان و تخصیص مشاغل مهم دولتی به آنها دلیل قاطعی است که انگیزه وضع آن قانون مقاومت و ایجاد مانع دربارگیری و اشغال مناصب از طرف کودتا چیان است.

★ سرعت تصویب قانون مزبور و زمان آن که نزدیک به انتخابات مجلس است نشان از نگرانی های اصول گرایان در اشغال کرسی های خدمات دولتی و حتی شرکت در انتخابات را دارد.

۲- التزام به قانون اساسی و ولایت فقیه

★ این شرط در قانون، همه مخالفان ولایت فقیه که عمدا در جبهه اصلاح طلبان نشسته اند را در برمیگیرد. قانون مزبور نشان میدهد که اصولگرایان کاملا میدانند که کودتای شیخ حسن ولایت فقیه را هدف اولین قرارداد است بهمین دلیل، قانون، قناعت نکرده که فقط ذکر التزام به قانون اساسی را قید کند و خاصا کلمه ولایت فقیه را در کنار آن آورده است در حالیکه قانون اساسی و التزام به آن شامل التزام به ولایت فقیه هم میگردد (کار از محکم گاری عیب نمیکند).

★ قانون مزبور که بتصویب شورای نگهبان رسیده دست شورای مزبور را کاملا باز میکند در غربال کردن صلاحیت کسانی که حتی کاندید نمایندگی مجلس و یا مجلس خبرگان میگردند. و چون مبنای تصمیم گیری شورای نگهبان گزارش های اطلاعاتی پاسداران است اصولگرایان با استفاده از این بند قانون، حسابی خدمت داوطلبین مجلس و همچنین مقامداران اصلاح طلبان خواهند رسید.

۴- وابستگی به احزاب....

این شرط، تمام مخالفان جمهوری اسلامی و نیز مخالفان اصولگرایان چه سران آنها و چه پیروان آنها را در برمیگیرد. و در کنار قانون احزاب که همین ماه جاری بتصویب رسید و اعضای احزاب منحل را برای مدت ۵ سال محروم از تشکیل حزب جدید ساخته است، یک جرایم قوی قانونی برای روبیدن همه فعالیت های گروهی اصلاح طلبان خواهد شد.

محسنی اژه ای معاون اول قوه قضائیه گفت: «قطعا اتفاقات سال ۸۸ جرائم بسیار بزرگی بود و اگر رفت اسلامی و ملاحظات شورای امنیت ملی نبود سران فتنه و پیروان آنها باید به عنوان مجرم تحت تعقیب و محاکمه و مجازات شدید قرار می گرفتند

معنای آن این است که سران فتنه و پیروان آنها که شامل اصلاح طلبان و جنبش سبز میشوند همه مجرم و قابل مجازات هستند ولی رفت اسلامی فعلا اجازه تعقیب و مجازات آنها را نمیدهد بنابراین بار اتهامی آنها همه آنان را مشمول قانون میسازد.

شرط ردیف ۵ وابستگی به بیگانه

شرط ردیف ۵ قانون مزبور که وابستگی به بیگانه را هدف گرفته با آنکه یک شرط اخلاقی و ملی شناخته میشود، ولی باهدف محرومیت جامع کلیه اصلاح طلبان و جنبش سبز و همه فعالین سیاسی خارج از کشور (منهای سلطنت طلبان) را در داشتن خدمات در برمیگیرد؛ در این مورد اظهارات مکرر شخصیت های آمریکایی و اسرائیلی مبنی بر اینکه افراد جنبش سبز سربازان ما هستند و اهداف ما را دنبال میکنند و اینکه هیچگاه این ادعای آنان از طرف اصلاح طلبان و یا جنبش سبز و هواداران آن جنبش تکذیب نگردیده سندی است که پیشاپیش، آنان را از خدمات دولتی تحت کنترل کودتا محروم خواهد ساخت. تماسهای برخی از ایرانیان و تقاضای کمک مالی و حمایت سیاسی از آمریکا اسنادی است که گروه های مبارزاتی مانند کنگره همبستگی ایرانیان و یا شورای تجزیه طلبان و امثالهم را از قرار گرفتن در صف اصلاح طلبان باهدف مشارکت در کشورداری (کودتای شیخ حسن) محروم میسازد.

★ قانون مزبور اگر درست اجرا شود دگرگونی بزرگی در سیستم اداری جمهوری اسلامی بکار گرفته میشود چراکه بیشتر مشاغل اداری و نظامی کشور در اختیار کسانی است که دارای دو و یا چند تابعیت میباشند.

علاوه بر آن این قانون در راستای اجرا مانند گزری است که قوه قضائیه وابسته به رهبری به سر هر شخصی به اتهام داشتن تابعیت دوگانه میتواند وارد کند.

قانون آمریکا

تنها چند روز بعد از تصویب قانون (نحوه انتخاب اشخاص در مشاغل دولتی) در جمهوری اسلامی قانون محدودیت های تازه ویزای آمریکا پس از تصویب کنگره با امضای آقای باراک اوباما بصورت قانون درآمد.

بموجب این قانون شهروندان ۳۸ کشور که بدون ویزا میتوانند به آمریکا سفر کنند اکنون بموجب قانون اگر آنها ظرف ۵ سال گذشته به ایران و سوریه و سودان و عراق سفر کرده باشند باید برای سفر به آمریکا درخواست ویزا کنند و همچنین کسانی که تابعیت دوگانه کشورهای مزبور را دارند از جمله ایرانیانی که تابعیت کشورهای مشمول بی نیازی به ویزا میباشند برای ورود به آمریکا باید تقاضای ویزا کنند.

نظرات نسبت به قانون مزبور

اول -- آمریکا، انگیزه تصویب قانون مزبور را امنیت عمومی آمریکا اعلام کرده است.

دوم -- جمهوری اسلامی آن قانون را خلاف برجام میداند.

سوم -- کشورهای اروپایی آنرا مغایر با اصل تعامل کشورها و بند چهارم مقدمه منشور سازمان ملل میدانند.

اول - ادعای آمریکا

ادعای آمریکا مبنی بر اینکه قانون جدید ویزا برای تامین امنیت عمومی آمریکاست ، شنیدنی است ولی قبول کردنی نیست زیرا:

★ هیچیک از حوادث تروریستی کالیفرنیا و حتی پاریس توجهی به ایرانیان و یا اهالی کشورهای که از قید ویزا آزاد بوده اند نداشته است.

★ کشورهای مانند عربستان سعودی که سابقه منظم و تائید شده ای در فعالیت های تروریستی از جمله ۹۱۱ داشته و همچنین پاکستان و بسیاری از کشورهای آفریقایی در شمول قانون مزبور قرار نگرفته اند و این میرساند که روابط سیاسی و انگیزه خاصی غیر از مسائل امنیتی در وضع قانون مزبور وجود داشته است.

★ آمریکا از فرصت استفاده کرده و می خواهد ضعف امنیت داخلی کشورش را با این قانون پرده پوشی کند اخبار سی ان ان گواه است که مامورین اطلاعاتی آمریکا چند بار از زوج اسلامگرای تروریستی فاجعه کالیفرنیا بازجویی کرده اند اما نفهیده اند که آنها دارای تعصبات تند اسلامی هستند و از آن مهمتر آن دو تن بوسیله یک شخص ثالث دو عدد مسلسل و چند اسلحه کمری و مقداری فشنگ و نارنجک خریداری میکنند و باز هم فروشنده آن سلاح ها با آنکه میدانسته آن سلاح ها برای شکار پرنده نیست و خاصیت جنگی دارد پلیس آمریکا را خبر نکرده است.

آقای جیمز ویبرگ، روزنامه نگار مشهور آمریکایی در تاریخ ۴ اگوست ۲۰۱۴ در مقاله ای در وب سایت خودش سازمان های اطلاعاتی آمریکا را بسیار خود سروناتوان از درک مفاهیم واقعی دموکراسی خواند و اخطار داد که اگر علاجی صورت نگیرد در آینده ای نچندان باید شاهد فجایعی در مورد آمریکا بود.

روزنامه ایندپندنت نوشته است که پلیس آمریکا در سال جاری فقط ۹ روز آدم نکشته است. آقای باراک اوباما در نهایت تاسف در برنامه تلویزیونی اعتراف کرد که از سپتامبر ۲۰۰۱ تا کنون نزدیک به ۴۰۰ هزار تن از مردم آمریکا به دلیل وجود نا آرامی های داخلی بوسیله مردم نه داعش و تروریستها کشته شده اند.

این مصیبت عظیمی که آمریکا با آن روبروست چیزی نیست که داروی آن قانون جدید ویزا باشد. آمریکا از وضع قانون مزبور هدف و انگیزه خاصی را دنبال میکند که در ادامه همین تحریر به آن خواهد رسید.

دوم - جمهوری اسلامی و قانون ویزا

جمهوری اسلامی قانون ویزای آمریکا را مغایر با تعهدات آمریکا در برجام میداند.

استدلال جمهوری اسلامی این است که قانون مزبور سبب زیان به صنعت گردشگری ایران و همچنین موانع و مشکل سفر صاحبان سرمایه گذاری در ایران خواهد شد و این امور منافات با برجام رادارد.

ایراد و استدلال جمهوری اسلامی ناشی از تصور است و عروج از نص قانونی ندارد. تنها نص قانونی که ممکن است به ادعای جمهوری اسلامی پوششی ظاهری بدهد ماده ۲۷ کنوانسیون وین در مورد عهدنامه های بین کشورهاست که میگوید:

«یک طرف معامله نمیتواند به حقوق داخلی خود به عنوان توجیهی برای قصور خود در اجرای تعهد استناد نماید».

بنظر میرسد، ماده ۲۷ کنوانسیون وین تنها ماده ای است که میتواند در مورد ادعای جمهوری اسلامی مستند قرار گیرد حال به بینیم که استناد به ماده مزبور چقدر بار حقوقی دارد.

چنانکه متن ماده ۲۷ کنوانسیون نشان میدهد، صرف وجود قانونی در حقوق داخلی کشورها که احتمالاً ناقض عهدنامه بین المللی باشد، منع نشده بلکه استفاده از آن برای قصور خود در اجرای تعهدات مورد پیمان ممنوع شده است.

شرط مزبور موید آن است که نمیتوان به صرف تصویب قانون ویزا در آمریکا اعتراض کرد و آنرا مغایر برجام دانست بلکه اگر دولت آمریکا در اجرای برجام به استناد قانون ویزا از انجام تعهداتش خودداری کرد آنوقت اعتراض جمهوری اسلامی وارد است. این را میگویند قصاص قبل از جنایت که نه مرسوم است و نه مقبول.

اینکه ماده ۲۷ کنوانسیون ایجاد منع کرده است به معنای آن نیست که طرف عهدنامه از اجرای تعهداتش خودداری کند بلکه به این معناست که طرف زیان دیده میتواند به دادگاه مراجعه و مطالبه خسارت بنماید.

آقای عراقچی که گفته است، آقای کری نامه ای داده که قانون ویزا زیانی به ایران وارد نخواهد کرد. اگر حرف آقای عراقچی درست باشد که احتیاط بردار است و کمتر حرف راست و یکسره از ایشان شنیده شده است، معنایش همان تفسیر ماده ۲۷ کنوانسیون وین است که آقای عراقچی از آن بنام «کری در مورد قانون ویزا تضمین محکم و کافی داده» برداشت کرده است.

نمیدانم آقای عراقچی وکل نظام جمهوری اسلامی که آمریکا رابه نادیده گرفتن تعهداتش و حتی تعهداتی که منضبط در قرارداد است (قرارداد الجزایر) متهم میداند چگونه به نامه آقای کری عنوان تضمین محکم داده است. دانستن لازم نیست قضیه مصداق (نوکرشاه هم نه نوکر بادمجان)

کنوانسیون وین در مورد عهدنامه ها بین خسارات وارده مسلم به طرف قرارداد با عدم النفع یعنی منافع احتمالی قائل به تفاوت شده است و خسارات وارده را قابل مطالبه و عدم النفع احتمالی را قابل مطالبه نمیداند. ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر کاسته شدن از مسافرت گردشگران خارجی و یا صاحبان صنایع به ایران منافع احتمالی است به این تفسیر که ممکن است اتفاقاتی در ایران و جهان روی دهد که ارتباطی هم به قانون ویزا نداشته باشد ولی گردشگران و صاحبان صنایع رغبتی به مسافرت به ایران نداشته باشند.

اینکه جمهوری اسلامی مدعی است که مشکلات ویزا سبب میشود که سرمایه داران خارجی قید سرمایه گذاری در ایران رابزنند، درست نیست زیرا سرمایه گذاری خارجی در یک کشور دیگر آنقدر مشکلات و بررسی ها و تحصیل اجازه و کش وقوس دارد که ویزا گرفتن اصلاً زحمت و خرجی محسوب نمیشود.

در مطالبه خسارت باید بین سبب و مسبب زیان رابطه مادی وجود داشته باشد و اثبات آنهم بر عهده خواهان؛ یعنی جمهوری اسلامی است در ادعاهای جمهوری اسلامی رابطه سببیت مسلم وجود ندارد.

ارتباط سببی بین قانون ویزای آمریکا با برجام میتواند شبیه ارتباط دادن قانون جدید جمهوری اسلامی در مورد شاغلین با دوتابعیت، بامناف آمریکا باشد، یعنی آمریکا هم مدعی شود که قانون تابعیت دوگانه سبب میشود که ایرانیان از قبول تابعیت دوم آمریکائی عقب بکشند و این امر سبب

عدم استفاده آمریکا از نیروی کار مستعد و جوانان ایرانی می‌گردد. همچنین ایرانیان سرمایه دار دیگر آمریکا را برای اقامت خود انتخاب نکنند. این قبیل ادعا ها که ممکن است دامنه ای وسیع داشته باشد، شنیدنی است ولی در ردیف عدم النفع احتمالی و تصویری است.

اجازه فرمائید ادامه آن به تحریرات آتی موکول شود.